



سلطه قرآن کریم بر روح و جان انسان

عایض الدوسری | ترجمه: شهاب الدین امیرزاده شمس



سلطه قرآن کریم بر روح و جان انسان |

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سلطه قرآن کریم بر روح و جان انسان

کاروان شتران در صحرایی پهناور در حرکت بود، آنجا که تا چشم کار می کرد
جز بیابان چیزی نبود.

تنها امواج سراب می توانست پهنه این زمین های بی آب و علف را طی کند،
همان سرابی که روح مسافران خسته از این سفرهای طولانی و گرمای سوزان
را فریب داده و آنها را به گرانبهاترین چیزی که در این مسیر به آن نیاز داشتند
امیدوار می نمود.

سلطه قرآن کریم بر روح و جان انسان |

در این سفرهای پی در پی و بی انتها گروهی جان خود را از دست داده و گروهی دیگر سالم به مراد خویش می‌رسید. اما تا ابد صحنه‌ها و خاطرات این مسیر از ذهنشان پاک نمی‌شد.

مردم در گوشه کنار سرزمین‌های اسلامی عادت داشتند تا با پای پیاده و یا سوار بر شتر برای ادای فریضه حج رو به مکه بیاورند.

و به نظر می‌رسد - چنانکه می‌گویند - اولین انسان در این کره خاکی که این عادت صدها ساله را شکست زنی اروپایی از طبقه اشراف و آریستوکرات از شهر ادینبرو اسکاتلند بود. او نخستین کسی بود که برای ادای حج سوار ماشین شد.

نام این نجیب‌زاده اسکاتلندی Lady Evelyn Cobbold^۱ است. او مسلمان شده و برای ادای فریضه حج رفت و چه بسا هنگامی که در راه مکه بود - در حالی که مسلمان شده بود - و می‌خواست تا به جمعیت مسلمانان در آنجا

۱- او پس از مسلمان شدن نام زینب را بر خود نهاد.

سلطه قرآن کریم بر روح و جان انسان |

بپیوند گوشه‌ای از خاطرات گذشته در ذهن او تداعی می‌شد. از جمله خاطره‌ای که در ذهنش حک شده و هرگز امکان نداشت آن را از یاد ببرد.

او مدت‌ها پیش از این سفر ایمانی، در آغاز زندگی‌اش به برای گردش به شهر رم ایتالیا رفته بود. در این سفر مقدر شد که با پاپ ملاقات کند.

پاپ از ظاهر اروپایی او حدس زده بود که دین او مسیحیت است، اما برای اینکه از مذهب او نیز اطمینان پیدا کند از وی پرسیده بود که آیا کاتولیک است؟ اما پاسخ صریح و تکان‌دهنده‌ی او این بود: نه، من مسلمانم!

در واقع اوایلین کوبولد آن زمان هنوز مسلمان نشده بود اما تمایل جزئی به اسلام داشت و درباره‌ی آن اتفاق نوشته است که: «احساسی مرا فراگرفته که نمی‌توانم آن را درک کنم، در عین حال مدت‌های زیادی بود که درباره‌ی اسلام فکر نکرده بودم و همین سبب شد تا شراره‌ی جستجو در من شعله‌ور شود، بنابراین تصمیم گرفتم درباره‌ی ایمان مطالعه و پژوهش کنم».

سلطه قرآن کریم بر روح و جان انسان |

بعد از مدت اندکی از این حادثه، الله متعال مقدر نمود که او ایمان آورده و عملاً وارد دین اسلام شود.

او اکنون در راه مکه برای ادای حج است. سال ۱۹۳۳ میلادی است و در آن هنگام وی ۶۵ سال دارد.

هنگامی که رسید بسیار خسته بود، سفری دشوار را سپری کرده بود و نیاز به استراحت و خوابی عمیق داشت تا خودش را برای روزی آمده کند که به خوبی می دانست روزی طولانی و مملو از اعمال فراوان خواهد بود.

در چنین روزهایی هیچ چیز آزار دهنده تر از اضطراب و چیزهایی که خواب را از چشمان انسان برباید، نیست. خوابی که اکنون نمی توان از آن بی نیاز شد و انسان در چنین زمانی به چیزی بیشتر از اسباب آرامش روحی و ثبات روانی که خستگی و بی خوابی را برطرف کرده و اضطراب او را از بین ببرد، نیاز ندارد.

اوایلین کوبولد می گوید: «دراز کشیدم و هنگامی که چشمانم را بستم از پنجره ای که باز بود، صدای یکی از حاجیان را شنیدم که با صدایی رسا و

سلطه قرآن کریم بر روح و جان انسان |

طنین انداز قرآن می‌خواند به گونه‌ای که می‌توانستم کلمات آن را تشخیص بدهم. او سوره یوسف را می‌خواند. با طنین کلمات جادویی و موسیقی آن صدا خوابم برد.»

خانم اوایلین کوبولد تلاوت و شنیدن آیات قرآن کریم را بسیار دوست داشت و آرامش و راحتی‌اش را در آن می‌یافت. او بارهای سنگینش را در پس آن انداخته و غم و اندوهش را به مجرد شنیدن تلاوت قرآن از یاد می‌برد. قرآن برای او صدایی شفابخش، سرور انگیز و امنیت بخش بود. تمام آنچه که یک روح برای داشتن شادی و آسودگی روان به آن نیاز دارد. آیات سوره نور بر او تأثیر بسیاری نهاده و از اعماق وجودش به آن وابسته شده بود.

اوایلین کوبولد هنگامی که درباره قرآن کریم و به ویژه آیات سوره نور سخن می‌گوید اشاره می‌کند که محال است ترجمه آن به زبان دیگر، آن معنای دقیق و روح‌افزایی که قراءت آن با زبان اصلی در خود دارد را ارایه دهد.

سلطه قرآن کریم بر روح و جان انسان |

او گفته که عظمت و سادگی محتوای قرآن و تنوع اشکال و ترسیم شگفت‌انگیز آن، از نظر او چیزی است که قرآن کریم را از دیگر کتاب‌های مقدس متمایز ساخته است.

از ترس اینکه اوایلین کوبولد در قضاوتش نسبت به قرآن کریم بی‌طرفی را رعایت نکرده باشد - چنانکه خودش می‌گوید - و به خاطر اینکه خواننده گمان نکند که او به خاطر مسلمان شدنش اینها را می‌گوید، وی گفته که سخن شرق‌شناس بزرگ و معروف ساموئل جانسون (Samuel Johnson) را نقل خواهد کرد زیرا او مستشرقی غیر مسلمان است و بعید است که به جانب‌داری برای اسلام متهم شود.

ساموئل جانسون درباره قرآن کریم می‌گوید: بنابراین شعر نبوده است، و دشوار است که بگوییم چنین است یا نه، زیرا برتر از شعر است. و قرآن تاریخ یا زندگی‌نامه و یا گلچین ادبی (Anthology) نیست مانند «موعظه سرکوه» [= که یکی از زیباترین سخنانی است که در انجیل‌ها به مسیح نسبت داده شده است] و جدلی متافیزیکی نیست، مانند برداشت‌هایی از آموزه‌های بودایی،

سلطه قرآن کریم بر روح و جان انسان |

و مناظره نیست، مانند بحث و جدل‌های افلاطون در بیان تفاوت میان حکما و احمق‌ها. آن (قرآن) هیچیک از اینها نیست و در حقیقت فریاد یک پیامبر است، ندایی که در ذات خود والا و بلند است، اما معنایش همه وجود را فرا می‌گیرد، در زمانی که باید، آمد، بنابراین، زمانه، خواسته یا ناخواسته آن را پذیرفت و هنوز هم در قصرها و بیابان‌ها طنین‌انداز است و شهرها و امپراطوری‌ها را در بر می‌گیرد. در ابتدا دل‌های برگزیدگان‌شان را با آتش شورو شوق شعله‌ور ساخته و رغبت آنها را به فتح جهان برمی‌انگیزد، سپس نفس آنها به صورت نیرویی فعال گرد می‌آورد.

این سرگشتگی که ساموئل جانسون در وجودش نسبت به قرآن کریم می‌یابد و عدم توانش برای طبقه‌بندی قرآن کریم را بسیاری از اندیشمندان غربی و شرقی غیر مسلمان تجربه کرده‌اند. اما بیشتر آنها بعد از این سرگشتگی به دو چیز اعتراف کرده‌اند:

نخست: در سطح شخصی، که همان نیرو، سلطه و چیرگی قرآن کریم بر روح و روان بشریت، و به لرزه در آوردن آنها از اعماق درون است؛ به گونه‌ای که آنها

سلطه قرآن کریم بر روح و جان انسان |

در وجود خود تأثیری را می‌یابند که از توصیف آن عاجزند و نمی‌توانند آن را با کلمات بیان کنند.

دوم: در سطح جهانی که همان نقش محوری قرآن کریم در تاریخ عرب و مسلمانان در دنیا است. همان دستاورد قرآنی که عرب و مسلمانان میوه آن را چیده‌اند و ساموئل جانسون در سخن پیشین به آن اشاره کرده است. اوایلین کوبولد نیز که از نزدیک قدرت تأثیر قرآن کریم و سلطه آن بر روان را فهمیده بر آن تأکید می‌کند. اینکه چگونه انسان‌ها را می‌سازد و جامعه‌ها را بر بستری استوار و یکپارچه ترقی می‌بخشد. او می‌گوید: «با قرآن و ایمانی که در دل‌هایشان کاشته شده، عرب‌ها دنیایی را بس بزرگ‌تر از آنچه اسکندر کبیر بر آن چیره شد را فتح کردند، بزرگ‌تر از روم».

خانم اوایلین کوبولد سه دهه پس از آن سالی که حج نمود، زندگی کرد و در سال ۱۹۶۳ میلادی وفات یافت. در وصیتی که به جای گذاشت درخواست کرده بود که: با زبان عربی برایش دعا کنند و در حالی دفنش کنند که سرش

سلطه قرآن کریم بر روح و جان انسان |

به طرف کعبه است و او را در بالای تپه‌ای در دشت‌های اسکاتلند به خاک
بسپارند.

همانگونه که خواسته بود، شد و آخرین چیزی که در دنیا شنید چند آیه از
سوره نور بود!

قرآن دارای سلطه بس بزرگ، عمیق و بی‌نظیری برای تأثیر و تغییر در زندگی
انسان دارد. این سلطه، داخلی و خارجی و در سطح افراد (اخلاقی و معنوی و
رفتاری) و سطح جامعه‌ها (نظم و انضباط و پیشرفت) وجود دارد.

از بزرگ‌ترین جلوه‌های تأثیر قرآن کریم، قدرت آن بر تغییر زندگی افراد است.

و همچنین روان انسان را به شکل عاطفی و عمیق تصاحب کرده و با گفتمانی
متین، نیرومند و ژرف، عقل‌ها را به خود جذب کرده و آن را روشن می‌سازد.

در عین حالی که کلمات آن آسان و اندک و قابل فهم بوده، معانی آن تأثیرگذار
و ژرف می‌باشد و عمل به آن و پیاده‌سازی‌اش آسان است.

سلطه قرآن کریم بر روح و جان انسان |

هرگاه طراوت آن با قلب و اندیشه درآمیزد آن را قانع می‌کند، از نظر روحی اشباع و از نظر روانی خشنود ساخته و اسیر خود می‌کند.

قرآن کریم اینگونه درون وجود انسان‌ها، دو موج می‌سازد که در اعماق روح او نفوذ می‌کند: موجی لطیف از آرامش و سکینه که تواضع، اخلاق نیک، سادگی و خوبی را می‌سازد و موجی نیرومند از ایمان و یقین که عزم، باور، ایستادگی، ثبات و قدرتمندی را می‌سازد.

دانشمند و پرفسور مشهور ریاضی اهل آمریکا «جفری لانگ» (Jeffrey Lang) که ملحد بوده و احساس خلأ بزرگ روحی می‌کرده هنگامی که به خواست الله، از نزدیک با قرآن کریم آشنا شده، زندگی‌اش به طور کلی دگرگون می‌شود.

بعد از آنکه قرآن روح او را لمس نموده و قلبش را آرام کرد، به انسانی متفاوت تبدیل شد و با شناخت قرآن کریم دنیایی جدید از نور، آرامش و سکون را کشف کرد؛ دنیایی که در گذشته چیزی از آن نمی‌دانست.

سلطه قرآن کریم بر روح و جان انسان |

جفری لانگ درباره تجربه شخصی اش با قرآن کریم و اثر آن بر روح و قلب خویش سخن گفته است که این سخنان، آشکارا سلطه قرآن کریم بر انسان نومسلمان را آشکار می سازد.

جفری لانگ می گوید: «به عنوان یک ملحد، فکر می کردم که عشق نوعی بیان لطیف از خودخواهی و ناامنی انسان است... اما من وقتی قرآن خواندم و شروع به پایبندی به نمازهای پنج گانه ام کردم، احساس کردم مهر و موم از قلبم برداشته شده است تا اینکه که سیل عظیمی از رحمت و مهربانی مرا فرا بگیرد. من شروع به احساس ماندگاری عشق در قلبم کردم، که آن عشق قوی تر و واقعی تر از زمینی بود که روی آن ایستاده بودم، و قدرت آن عشق دوباره مرا زنده کرد تا احساس واقعی عشق را درک کنم».

دکتر جفری در ادامه سخنان خود می گوید: «در مورد کسانی که اسلام آنها را در آغوش گرفته است، بزرگترین گواه بر محبت مستمر، پیایی، یاری گرو راهنمای خداوند، قرآن است؛ اقیانوسی که تو را وسوسه می کند تا در امواج خیره کننده اش ژرف تر و عمیق تر شنا کنی، تا جایی که در آن فرو بروی، اما به

جای غرق شدن در دریای عمیق و تاریک، خودت را در دریایی از نور و رحمت الهی غوطه‌ور می‌بینی.»

یکی از بزرگ‌ترین جلوه‌های قدرت قرآن بر روح انسان، هنگام خواندن آیات آن است. با حضور باشکوه و قدرتمند و ژرف، جهت جدا کردن خواننده از تمام دنیا و حتی از خودش و خلوت با خود، و خواندن افکار و دغدغه‌هایش و پرداختن مستقیم به غم‌ها و ترس‌هایش، او را از همه چیز، حتی از خود، پالوده می‌کند. همان درونی، که تخریب شده و آلودگی‌های دنیا بر آن نشسته است.

قرآن کریم انسان را از تمایلات خودخواهانه درونی پاک می‌کند، به طوری که خواننده قرآن می‌فهمد که نفس خود را آشکارا می‌بیند و وقتی قرآن می‌خواند، در واقع اوست که با قرآن خوانده می‌شود او با عمق بی سابقه‌ای شروع به خواندن خود می‌کند، زیرا اسرار روحش در برابر او آشکار شده و او را وادار به رویارویی با خود می‌کند، او رو در رو با اعمال و رفتارهای خود در گذشته و حال، مواجه می‌شود، موقعیتی باشکوه و هولناک را بر او آشکار می‌

سلطه قرآن کریم بر روح و جان انسان |

کند و افکار و نیات او را برایش آشکار می سازد تا از اعماق وجود او را به تجدید نظر در نفس خود دعوت کند و او را با قدرت و مهربانی مورد خطاب قرار می دهد، با قدرت بیان، حقیقت، کشف، مهربانی و رحمت دعوت کننده به توبه و بازگشت به سوی پروردگاری آمرزنده و مهربان و دوستدار بندگان.

برخی از این معانی را فردریک ماتیوسون دنی (Fredrick Mathewson Denny) استاد متخصص در فلسفه و مقارنه ادیان، که از دیرباز علاقه مند به تلاوت و مطالعه قرآن کریم بوده بیان می کند و می گوید: «در خواندن قرآن لحظه ای فرا می رسد - مثلاً در مطالعه شخصی که بر فهم معنا تمرکز دارد، چه تلاوت با صدای بلند باشد و چه بی صدا - که قاریان [قرآن] شروع به احساس حضوری عجیب و ماورای طبیعی و گاه ترسناک می کنند.

به جای اینکه [قاری] قرآن بخواند، خواننده احساس می کند که قرآن در حال خواندن قاری است! این یک تجربه شگفت انگیز، حیرت آور و غافلگیرکننده است و به هیچ وجه نیازی نیست تا شخص، مسلمان باشد تا این احساس به او دست دهد. این بیانگر قدرت اصیل قرآن است که عامل اصلی گسترش

سلطه قرآن کریم بر روح و جان انسان |

اسلام و نیز تداوم وفاداری مسلمانان به صراط مستقیم بوده، زیرا قرآن خودش ویژگی دین [اسلام] است.

این تجربه‌ای که فردریک دنی، غیرمسلمان، در حین خواندن قرآن کریم با آن روبرو شده و تجربه کرده است، مشابه آن چیزی است که جفری لانگ از آن صحبت می‌کند، او می‌گوید: قرآن من را بهتر از خودم می‌شناخت... قرآن همیشه از تفکرم پیشی گرفته بود، سدهایی را که سال‌ها پیش ساخته بودم، برداشته و به پرسش‌هایم پاسخ می‌داد... افکارم را می‌خواند. خودم را رو در رو در صفحات قرآن دیدم و از آنچه می‌دیدم ترسیدم. احساس تسلیم شدن کردم... [و] قاری به جای خواندن قرآن، احساس می‌کند که قرآن دارد او را می‌خواند.» بنابراین، جفری لانگ با فردریک دنی موافق است که این تجربه قرآنی در واقع یک «تجربه شگفت‌انگیز و غیرطبیعی» است.

قرآن کریم دارای ویژگی منحصر به فردی است؛ اینگونه که انسان را با در اختیار گرفتن روح و احساس و عواطف و حواس و شنوایی و بینایی او، مالک می‌شود؛ مخاطبی که آیات آن را با دقت و به صورت عمیق می‌خواند به صورت

سلطه قرآن کریم بر روح و جان انسان |

مستقیم و شخصی مورد خطاب قرار می‌دهد، و هنگامی که قرآن کریم شخصیت انسان را در اختیار قرار گرفت رفتار او را به سوی بهترین‌ها سوق می‌دهد، او را اصلاح کرده و در مسیر سالکان به بالاترین درجات در برتری و تعالی می‌رساند و قاری احساس می‌کند که گویی قرآن کریم تنها با او صحبت می‌کند و نه دیگران؛ وقتی قرآن به قلب خواننده می‌رسد، تأثیرات آن به وسیله اخلاص و خضوع، مستقیماً در احساسات او، و با لرزه و سپس آرام گرفتن، بر بدن او، و با آرامش و آسایشی عمیق بر روح و روانش، و با اطمینان و احساس امنیت درونی، بر نفس او نمایان می‌شود.

مارسل بوزار (Marcel Bouzar) شرق‌شناس معروف فرانسوی به این معنا یا شبیه آن اشاره کرده است هنگامی که درباره این ویژگی قرآن کریم سخن می‌گوید: «قرآن کلیت انسان را مورد خطاب قرار می‌دهد: ژرف‌ترین احساسات - خوب یا بد - او و کارهای روزمره‌اش را از دیدی که می‌توان آن را به «روانشناسی کاربردی» منسوب کرد.

سلطه قرآن کریم بر روح و جان انسان |

جفری لانگ این تجربه بی نظیر قرآنی را با سخنی ژرف و عالی و بنا بر تجربه واقعی با جزئیات آن بیان می کند. او می گوید: می بینیم که قرآن خواننده و دغدغه های عملی و آئی او را برمی انگیزد... به گونه ای که برای قاری نمایان می شود که به تنهایی در برابر پروردگار و آفریدگار خویش قرار گرفته است. بسیاری از کسانی که این سفر را انجام داده اند با نزدیک شدن به پایان قرآن، نوعی ترس و هیبت از آن دیدار را احساس می کنند.

هنگامی جفری لانگ این آیه را خواند: {ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ} [البقرة: ۲] در حالی که می لرزید گفت: «هنگامی که این آیه را خواندم لرزه ای در وجودم به جریان افتاد به فکر افتادم که آیا با من صحبت می کنی؟... من به صورتی خاص تحت تأثیر قرار گرفتم و سبب شد احساسی را که اندکی قبل بیان کردم را تکرار کنم، اما - در سطح عمیق تر - احساس عجیبی در من متولد شد به این شکل که قرآن واقعا با من صحبت می کرد. از نظر فکر و روح و حتی بیشتر از آن، اما واژه ای برای بیان این احساس پیدا نکردم».

سلطه قرآن کریم بر روح و جان انسان |

لانگ سپس سخنش را ادامه داده و می‌گوید: «این توانایی قرآن در مشغول کردن خواننده به گفتگوی ذهنی و روحی... به او انرژی روحی و روانی فوق العاده‌ای می‌دهد». سپس احساسات و عواطفی که از قدرت قرآن کریم در در افشای اسرار و زوایای پنهان نفس، تجربه کرده است را اینگونه بیان می‌کند بیان می‌کند «قرآن کریم در مورد طبیعت انسان بینش نافذی دارد.» او همچنین به یکی از اندیشمندان آلمانی مسلمان شده به نام مراد ویلفرد هوفمان (Wilfried Hofmann Murad) که تجربه‌ای مشابه به خودش دارد، اشاره می‌کند که می‌گوید: «قرآن را می‌خوانم و آن صدایی را برای من مجسم می‌کند که با نیرویی بی‌نظیر مرا جذب می‌کند».

بلکه قرآن کریم از کسانی که حامی ندارند حمایت می‌کند، پس کسی که فطرت را درون قلب خود و حقیقت را در نفس خویش می‌یابد اما در میان جامعه یاوری نمی‌یابد، قرآن او را یاری می‌دهد. او احساس غربت، تنهایی و بیگانگی می‌کند در محیطی که باطل غوغا می‌کند و چه بسا به دلیل رویارویی با طوفانی از عقایدی که با حقیقت و فطرت سالم در تضاد است، به فطرتی که

سلطه قرآن کریم بر روح و جان انسان |

در اعماق وجود خود می‌یابد شک کند، تا آنکه وقتی قرآن کریم را لمس می‌کند، از خوشحالی بال درآورده زیرا او دلایل آشکاری می‌یابد که فطرت او را در برابر آن طوفان سهمگین و گمراه کننده یاری می‌دهد.

چنین وضعیتی برای خوانندهٔ بریتانیایی معروف، کت استیونز (Cat Stevens) رخ داد. او تجربهٔ خود را با قرآن بیان می‌کند، زمانی که هنوز مسلمان نشده بود. قرآن کریم برای او بسان صدای فطرتی بود که مستقیماً با او صحبت می‌کرد و حقیقت را در درونش بیدار می‌نمود، و به او اطمینان می‌داد که آنچه را در فطرت خود می‌یابد - اما محیطش پیرامونش او را به شک می‌اندازد - آن واقعاً درست است، بنابراین قرآن کریم راهنما یا معیاری برای او قبل از اسلام آوردنش بود. او می‌گوید: «خواندن قرآن بسان تأییدی بود بر همه چیزهایی که در درونم آن را حق می‌دانستم و وضعیت مثل رویارویی با خود واقعی‌ام بود».

از جلوه‌های بی‌شمار تجربه قرآنی که قاری قرآن به آن دست می‌یابد، حیرت روحی و روانی است که با شنیدن تلاوت قرآن و تأمل در معانی آن، او را فرا

سلطه قرآن کریم بر روح و جان انسان |

می‌گیرد. در شکل و حالتی که هماهنگی شگفت‌انگیز و کاملی دارد و یکدیگر را تکمیل می‌کنند و این شگفتی مختص به شخصی که به قرآن کریم ایمان دارد نیست، بلکه سلطه قرآن شامل همه می‌شود، هر که دل دارد یا گوش می‌دهد و گواه است.

از مثال‌های آن: آلفونس اتین دینت (Alphonse-Etienne Dinet) خاورشناس فرانسوی پس از بیان سخنان تعدادی از خاورشناسان غربی در مورد قرآن کریم و سلطه آن بر غیرمسلمانان می‌گوید: «اگر جادوی اسلوب (سبک) قرآن و زیبایی معانی آن، می‌تواند در دل چنین دانشمندانی که هیچ ارتباطی با عرب‌ها و مسلمانان ندارند چنین تأثیری بگذارد، عرب‌های حجاز که این آیات به زبان شعرانگیز و زیبای آنان نازل شده چه شوری آنها را فرا می‌گرفته است؟»

شرق‌شناس، جک رسلر (Jack Ressler) در مورد سبک و تأثیر قرآن کریم می‌گوید: «نثر آهنگین و موزون قرآن به خودی خود جذابیتی ایجاد می‌کند که به اندیشه‌ها نفوذ می‌کند، تصاویر روشن و درخشان می‌شوند و حرارت و

سلطه قرآن کریم بر روح و جان انسان |

تابش می افشانند. و کسی نمی تواند انکار کند که سلطه بلاغی و معنوی آن با هم در آمیخته تا تأکید کنند که محمد واقعاً از وحی و شکوه و عظمت خداوند بهره مند بوده است».

مستشرق ایتالیایی و استاد زبان عربی در دانشگاه ناپل، لئورا وچا ولیری (Laura Veccia Vaglieri) می گوید: «غیر قابل تصور است که قرآن از کسی غیر از ذاتی که دانشش همه چیز در آسمان و زمین را در بر گرفته، سرچشمه بگیرد... هر کس آن را بخواند یا به آن گوش دهد، احساس عمیقی از ترس و هیبت او را فرا می گیرد».

از این رو جای تعجب نیست که بزرگان غیرمسلمان غربی و شرقی مجذوب قرآن کریم شده و تحت سلطه و اقتدار عظیم آن قرار گرفته اند، بلکه برخی از شاعران بزرگ غربی سعی در شبیه سازی، تقلید و اقتباس از آن کرده اند و تأثیر بس بزرگ آن بر صمیم جان شان و برگرفتن اخگری از نور آن را ابراز داشته اند. نقل کرده اند که چگونه در تاریکی ها و غم و اندوه بزرگ، به آن پناه برده اند، زیرا در هیچ چیز دیگری تسلی و امان را نیافتند تا به دلهایشان آرامش بخشیده و

سلطه قرآن کریم بر روح و جان انسان |

جانشان را راحتی ببخشد، و ناگهان بعد از آمدن قرآن کریم، غم و اندوهشان چون ابرهای سیاهی می شود که با طلوع خورشید بر زمین، از بین می رود.

به عنوان مثال: الکساندر پوشکین (Alexander Pushkin) شاعر بزرگ روس، مجذوب آیات و معانی قرآن کریم شده بود، از این رو، بسیاری از معانی آن آیات در شعر او نقش بسته بود و آن آیات را با کلمات و معانی آن در اشعارش بازنمایی کرده و الهام بخش بسیاری از مضامین قصیده های او بوده است. چرنیایف (Chernyaev) منتقد و متخصص روس در ادبیات پوشکین، می گوید: «قرآن اولین انگیزه را به بیداری دینی پوشکین داد و از این رو در زندگی شخصی او اهمیت به سزایی داشت و قرآن نخستین کتاب دینی بود که تخیل پوشکین شاعر را به شگفت آورده و او را به سوی دین سوق داد».

الکساندر پوشکین در یکی از قصایدش می گوید:

پروردگارت را بخوان، چرا که او تواناست

اوست که باد را در روزهای گرم کنترل می کند

و ابرها را به آسمان می‌فرستد

و سایه درختان را به زمین ارزانی می‌دارد

او مهربانی است که آشکار ساخته

برای محمد، قرآن درخشان را

اجازه دهید ما نیز به سوی آن نور روان شویم

تا اینکه پرده از چشم‌ها بیفتد

الکساندر پوشین در قصیده دیگری می‌گوید:

برخیز ای نگران

چرا که در غارتو

چراغی مقدس است

که تا صبح هنگام می‌درخشد

و با دعای خالصانه

خلوت گزین، ای پیامبر

و نماز بگذار با فروتنی تا هنگام صبح

و کتاب آسمانی را تا صبح بخوان

الکساندر پوشکین می گوید: «قطعا قرآن تنها کتاب دینی است که خیالم را شگفت زده کرده است زیرا بسیاری از ارزش های اخلاقی به شکلی قدرتمند و شاعرانه در قرآن خلاصه شده است».

اما، یوهان گوته (Johann Goethe) دانشمند و شاعر بزرگ آلمانی می گوید: «قرآن شگفت آور است! اسلوب محمد، محکم، متعالی و شگفت انگیز است و در موارد متعددی واقعاً به تعالی می رسد». گوته همچنین می گوید: «هنگامی که انسان قرآن را می خواند برای نخستین بار در آن چیزی جدید و نامألوف را می بیند اما هرچه بیشتر آن را می خواند بیشتر آن را دوست داشته و جذبش می شود تا اینکه در نهایت او را به بزرگداشت و تجلیل آن سوق می دهد».

گوته در رباعیاتش می گوید:

سلطهٔ قرآن کریم بر روح و جان انسان |

مشرق از آن خداست!

مغرب از آن خداست!

شمال زمین

و جنوب زمین

آرام و امن در دستان اوست

در قصیده‌ای دیگر که تأثیر قرآن کریم و آموزه‌های آن در آن کاملاً هویدا است،
گفته در آن از خدا بودن مسیح تبری جسته و اعلام می‌کند که حق همان
چیزی است که محمد صلی الله علیه و آله وسلم آورده است. آنجا که می‌گوید:

و مسیح احساسی پاک داشت

در اعماق وجودش جز به خداوند یکتا و یگانه ایمان نداشت

و آنکه او را خدا کرد

به او بدی کرده و با خواست مقدس او مخالفت کرده است

و اینگونه است

زیرا حق، همان چیزی است که محمد به آن فراخوانده است

و با ایدهٔ خداوند یگانه و یکتا

سرور تمام دنیا شد ...

در قصیده‌ای او شادمانی و سرورش را از مشاهدهٔ قرآن کریم ابراز کرده و می‌گوید:

با تعجب و سرور

پرطاوسی را میان صفحات قرآن دیدم

به این مکان مقدس خوش آمدی

یه

گرانبهاترین گنج

در میان شگفتی‌های زمین!

متواضعانه در این شکوه بس بزرگ خوش باش

سزاوار این مکان مقدسی

و در قصیده‌ای دیگر، گوته کلمات و جمله‌هایی را از قرآن کریم اقتباس نموده
و می‌گوید:

او کسی است که ستارگان را برای شما قرارداد

تا در خشکی و دریا با آن راه یابید

و برای اینکه از زینت آن لذت ببرید

و همواره به آسمان بنگرید

در رباعی دیگری گوته می‌گوید:

از حماقت‌های انسان در این دنیا

این است که هر شخص به نظر خود تعصب بورزد

و هنگامی که اسلام معنایش این است که باید تسلیم الله بود

پس همه ما با اسلام زندگی کرده و می‌میریم

سلطه قرآن کریم بر روح و جان انسان |

هنگامی که یوهان گوته در سخت‌ترین لحظات و دشوارترین وضعیت‌ها از نظر روحی بود، هنگامی که مصیبت او شدید شد، تسلی خویش را جز در آیات قرآن کریم و باورهای اسلام نیافت.

در نامه‌ای که سال ۱۷۷۲ میلادی به یکی از دوستان نزدیکش - دوست بزرگ‌ترش فیلسوف یوهان هرder - فرستاد در آن می‌گوید: «من دوست دارم که الله را بخوانم، همانگونه که موسی او را در قرآن خواند: رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي {طه: ۲۵} (پروردگارا! سینه‌ام را فراخ و گشاده دار). او بعداً در لحظات حساس و دشواری که در معرض جراحت دردناکی قرار گرفته بود و در آن به مساعدت اخلاقی و معنوی زیادی نیاز داشت، به یکی دیگر از دوستانش هاینریش، نامه نوشت و به او گفت: «ما باید دوباره به اسلام پناه ببریم.» در سال ۱۸۲۰ میلادی هنگامی که عروزش به شدت بیمار شد، گوته نوشت: «من نمی‌توانم بیش از این بگویم که در اینجا نیز سعی می‌کنم به اسلام پناه ببرم.» در همان سال به دوستش فیلمر نوشت: «اسلام عقیده‌ای است که همه ما دیر یا زود به آن اعتراف خواهیم کرد».

سلطه قرآن کریم بر روح و جان انسان |

در سال ۱۸۳۱ میلادی زمانی که بیماری وبا گسترش یافت و همه گیر شد، زنی که او را به خوبی می شناخت، برای مقابله با این مصیبت همه گیر از او مشورت خواست و گوته برایش نوشت: «هیچ کس نمی تواند در این مورد به شخص دیگری توصیه کند، پس اجازه دهید هر فردی تصمیمی را بگیرد که مناسب اوست. همه ما در اسلام زندگی می کنیم، فرقی ندارد که روش هایی که برای تقویت عزم خود به کار می بریم متفاوت باشد.»

گوته آنچه را که درباره اسلام بر او تأثیر گذاشته، الهام بخش او بوده و تحسین می کرد با اقتباس از مفاهیم آیات قرآن کریم، توضیح می دهد، آنجا که می گوید: «باورهایی که مسلمانان بر آن پرورش می یابند، بیشترین شگفتی را ایجاد می کنند. باور دینی که عزم جوانی آنها را تقویت می کند، بر این اساس بنا شده که هیچ اتفاقی برای انسان نخواهد افتاد، مگر آنچه که خداوند برای او نوشته است. خداوندی که همه چیز را برای او مقرر کرده است، در طول زندگی با این ایمان مسلح شده اند و با اطمینان زندگی می کنند، و نزدیک است که به هیچ چیز دیگری نیاز نداشته باشند.»

سلطه قرآن کریم بر روح و جان انسان |

کاترینا مومسن (Katharina Mommsen) پژوهشگر و ادیب آلمانی-آمریکایی، متخصص در ادبیات آلمانی و گوته، می‌گوید: «مطالعات قرآنی که گوته انجام داد، نتایج بسیار مهمی را به همراه داشت، زیرا الهام‌بخش برنامه‌ای برای نوشتن یک تراژیک بزرگ برای او بود. و این تکه‌های [از آن اثر]، علیرغم اختصار، ستایش و مدحی بزرگ است که هیچ شاعر آلمانی در هیچ عصری به پیامبر اسلام ارائه نکرده است».

بلکه قطعاً بسیاری از کسانی که نسبت به قرآن یا رسول الله صلی الله علیه و آله موضع منفی می‌گیرند، گریزی از اعتراف به آنچه در دل هایشان نسبت به قرآن نهفته است نمی‌یابند. و از آنها با کلماتی صمیمانه و گذرا بیرون می‌آید که در لحظه‌های فروتنی، صفا، صداقت و نیاز برای اعتراف و به دور از تکبر، از زبانشان بیرون می‌آید. اینکه آسایش و آرامش و تسلی خود را در کلام قرآن کریم یا در کلام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌یابند.

به عنوان مثال، «آرتور جان آربری» (Arthur John Arberry) مستشرق مشهور بریتانیایی، در پایان مقدمه ترجمه خود از قرآن کریم، از چگونگی

سلطه قرآن کریم بر روح و جان انسان |

تکیه کردن و یاری گرفتن خود از قرآن کریم در آن دوران حساس و سختی‌ها سخن می‌گوید. او در زندگی با مشکلاتی روبه‌رو شده بود و می‌گوید: «این کار (ترجمه قرآن) را جدی می‌گرفتم و در زمانی به پایان آن رسیدم که گرفتار ناراحتی و تنگنای شدید شخصی بودم. [پس قرآن] مایه تسلی، دلداری، حمایت و کمک نویسنده بود، به گونه‌ای که او همیشه مدیون آن خواهد بود. بنابراین او اعتراف کرده و اقرار می‌کند که مدیون این قدرت، یا این خدا - هر که باشد - است، آن کسی که به این مرد یا این پیامبر الهام نمود. آن کسی که برای نخستین بار این کتاب‌های (سوره‌های) مقدس را تلاوت کرد».

آرتور آربری شواهدی از اسلوب تأثیرگذار قرآن کریم به زبان عربی فصیح را از سخنان محقق مشهور انگلیسی مارمادوک پیکتال (Marmaduke Pickthall) که به اسلام گروید و قرآن کریم را ترجمه کرد، ذکر می‌کند: «قرآن آن هارمونی بی‌نظیر و آن صداهایی است که انسان‌ها را به حرکت درمی‌آورد و آنها را به گریه و احساس سرشار از شادی سوق می‌دهد.» جفری لانگ از

سلطهٔ قرآن کریم بر روح و جان انسان |

آرتور آربری نقل کرده که می‌گوید: «گوش دادن به قرآنی که به زبان عربی تلاوت می‌شود، برای او مانند گوش دادن به ضربان قلب خودش است».

سلطهٔ قرآن کریم اینگونه است؛ هنگامی که نور خود را بتاباند و حجاب‌هایی که میان جان‌ها و پروردگارشان قرار دارد را بدرَد و آنها را نورانی کند، با تأثیری که بر اعماق جان‌ها می‌گذارد، خاکسترهایشان را زنده کرده و علف‌های خشکیده‌اش را می‌رویاند. و دل‌ها - هر چند موافق یا مخالف باشد - در درون به یقین می‌رسد که سلطهٔ این کلام، سلطه‌ای بشری نیست که بتواند از خودش چنین کلامی را بیاورد، بلکه سخن کسی است که اسرار نفس‌ها، نیاز دل‌ها، عطش جان‌ها و اشتیاق آنان به سخنان و هدایت و نور او را می‌داند. در لحظه‌ای که کلام الهی دل‌های غمگین، روح‌های خالی و عاری از یار و یاور را لمس می‌کند و در لحظات آرامش و رها شدنی که انسان تجربه می‌کند، بی‌اختیار، نیاز مبرم و میل شدیدی به رویارویی با حقیقت و اعتراف به آن را - هرچند هم که تلخ باشد - در درون خود می‌یابد.

این همان اتفاقی است که برای خاورشناس معروف مجارستانی-یهودی ایگناتس گلدزیهر افتاد که در آن زمان شروع به یادآوری اشکال عبادت در محیط دینی خود کرد و تخیلات و خاطرات عبادتگاه‌های محلی که در آن به دنیا آمد و در آن بزرگ شده بود، کرد. آن تخیلات و خاطراتی را که در ذهنش بود را به یاد آورده و بازخوانی می‌کرد و همه اینها را با تلاش هم‌کیشانش برای محاصره و آزارش مقایسه می‌کرد و در آن زمان مشغول مطالعه حدیث شریف نبوی بود پس در آن هنگام این کلمات را نوشت: «وقتی وجدان دینی کسی او را به ترک عقیده‌ای ضعیف سوق می‌دهد، او با این امر وارد عقیده دیگری نمی‌شود، بلکه شاید به این ترتیب به آستان ایمان به پروردگار بازگردد. هیچ پناهگاهی برای خروج از دروغ، جز حق وجود ندارد که همان ایمان به پروردگار است. خداوند هیچ معبدی در این دنیا ندارد، عود و بخور جز برای شیطان روشن نمی‌شود و موسیقی ارغنون (ارگ) تنها برای ادای احترام به شیطان نواخته می‌شود. چنانکه خادمانش برای دشنام دادن به پروردگار و نام او، بر منبرها بالا می‌روند و تنها بنده و خادم پروردگار است که از آنها دوری

سلطه قرآن کریم بر روح و جان انسان |

می‌جوید. تلاش‌های جامعه برای اهلی کردن یا تسلیم کردن من به دستوراتش همچنان با شکست مواجه می‌شود. در روزهای اخیر، موج درگیری با من در همه جهات بازگشته است، اما سست نشدم و خونسردی خود را حفظ کردم... [من] تمام بعد از ظهر روی نوشتن یک مطالعه گسترده در مورد اسلوب محمدی صرف کردم، آنجا که می‌گوید: « لَا مَلْجَأَ لِي مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ » (من پناهی از تو ندارم جز تو) کار کردم. اما چگونه است که همین کلمات از اعماق جان من بیرون آمدند!

در واقع، سخت‌ترین و کینه‌توزترین مخالفان اسلام نمی‌توانند تسلیم نشده و سلطه قرآن کریم را تصدیق نکنند، همانطور که در مورد الهی‌دان و کشیش آوارو د کوردوبا (Alvaro de Cordoba) (۸۶۳ م) اتفاق افتاد. کسی که سِر توماس آرنولد (Thomas Arnold) شرق شناس و استاد بریتانیایی دانشگاه کمبریج و دانشگاه لندن و عضو هیئت تحریریه دایرة المعارف اسلامی - منتشر شده در لیدن، هلند - درباره او سخن گفته است.

سلطه قرآن کریم بر روح و جان انسان |

او درباره آلوارو د کوردوبا و خصومت او با اسلام صحبت کرده است، و با این حال، از او نقل می‌کند که به سلطه قرآن کریم بر او و بر مسیحیان زمان خودش اعتراف کرده است. چنانکه توماس آرنولد می‌گوید: «حتی در میان مسیحیان افرادی مانند آلوار (Alvar) را می‌یابیم که به تعصب علیه اسلام مشهور است، تصریح می‌کند که قرآن به قدری شیوا و زیبا نوشته شده بود که مسیحیان نمی‌توانستند آن را نخوانند و تحسین نکنند».

تجربه بزرگ قرآنی یا بهتر است بگوییم سلطه عمیق قرآن کریم بر روح و جان، در درون، اشتیاقی مقاومت‌ناپذیر و شوری ژرف در عمق جان‌ها ایجاد می‌کند که نمی‌تواند آن را دور کرده یا انکارش کند، همانطور که کودک شیرخوار نمی‌تواند از مهر مادری بی‌نیاز بماند. مگر کسی هست که بعد از ترس و اضطراب و اندوه و افسردگی و هراس و پوچی، آرامش روحی، خوشبختی، شادی و اطمینان را پیدا کند و بخواهد به آنچه که بوده بازگردد؟ مگر آنکه بخواهد بهشت را ترک کرده و دوباره به جهنم انداخته شود!

سلطه قرآن کریم بر روح و جان انسان |

و به همین دلیل، وقتی جفری لانگ - که غیر عرب است - درباره شوقش به شنیدن قرآن صحبت کرد، آن را با اشتیاقی عمیق توصیف کرد؛ اشتیاقی که از اعماق روح نشأت گرفته است، اشتیاق به آرامشی که به آن خو گرفته و نمی‌خواهد هرگز آن را ترک کند. وقتی کسی از او پرسید چرا این قدر مشتاق شنیدن قرآن است و بر حضور در نمازهای جهری (نمازهایی که در آنها قرآن با صدای بلند خوانده می‌شود) اصرار دارد، با این که او به خوبی عربی را نمی‌فهمد، پاسخ داد: «با پرسشی دیگر پاسخش را دادم: چرا کودک شیرخوار با شنیدن صدای مادرش آرام می‌شود و به آرامش می‌رسد؟ این به این دلیل است که اگرچه کودک کلمات مادرش را نمی‌فهمد، اما صدایش برای او آشناست و او را آرام می‌کند. این همان صدایی است که کودک از گذشته‌ای دور آن را می‌شناسد».

«لحظاتی بود که آرزو داشتم بتوانم برای همیشه در حمایت آن صدا زندگی کنم». جفری درباره تلاوت قرآن در نماز صبح می‌گوید: «چیزی پنهان و خاص در بیدار شدن شبانه - وقتی همه خوابند - وجود دارد، تا موسیقی [تلاوت]

سلطه قرآن کریم بر روح و جان انسان |

قرآن را بشنوی که سکوت شب را پر می‌کند. در آن لحظه احساس می‌کنی که این دنیا را رها کرده‌ای و با فرشتگان هم‌سفر شده‌ای تا در سپیده‌دم خدا را تمجید کنی».

این تجربه‌های شخصی - بی‌شمار - که برای افراد مختلف با قرآن کریم رخ داده است، فارغ از زبان، دین‌های قبلی آنها، کشورها یا فرهنگ‌هایشان، بر توانایی عمیق قرآن در تأثیرگذاری، بلکه حتی تغییر، تأکید می‌کند. قرآن دارای قدرتی عظیم است که می‌تواند فرد را، هرچند دور باشد و هرچند محیطی که در آن زندگی و کار می‌کند متفاوت باشد و هرچقدر هم در آن غرق شده باشد، از وضعیت قبلی‌اش بیرون کشیده و به حالتی کاملاً جدید منتقل کند؛ حالتی که به کلی با هر چیزی که پیش‌تر در زندگی‌اش تجربه یا شناخته بود، متفاوت است.

برای مثال: **رکس اینگرام**، (Rex Ingram) نویسنده، نقاش و کارگردان مشهور آمریکایی-ایرلندی، یکی از مهم‌ترین چهره‌های هالیوود بود. شهرت او در دنیای سینما به اوج رسید. او فرزند یک کشیش پروتستان در ایرلند بود با این

سلطه قرآن کریم بر روح و جان انسان |

حال، او چیزی اساسی و معنوی را در قلب و روح خود کم داشت. هنگامی که با قرآن کریم آشنا شد، تحت تأثیر قرار گرفت و پس از آشنایی با عرب‌ها، به آنها علاقه‌مند شد و با آنان انس گرفت. او اسلام را پذیرفت و از محیط سینمایی هالیوود کناره‌گیری کرد.

رکس اینگرام درباره قرآن کریم می‌گوید: «مطالعهٔ ادیان مختلف را انجام دادم، اما در هیچ‌کدام آن آرامش و اطمینانی که در مطالعهٔ قرآن یافتم را نیافتم. بارها آن را خواندم، در معانی آن تأمل کردم و روحم آن را جذب کرد. در قرآن لطافت و شگفتی دیدم و روزی نبود که بدون تلاوت آیات آن سپری شود».

و درباره اسلام می‌گوید: «من معتقدم که اسلام دینی است که صلح و آرامش را برای روح به ارمغان می‌آورد و به بشریت آرامش، آسودگی خاطر و تسلی را در این زندگی الهام می‌کند. روح اسلام در روح من نفوذ کرد و من ایمان به قضا و قدر الهی را ارج می‌نهم. همچنین، من دیگر نسبت به تأثیرات جسمانی لذت و درد بی‌اعتنا شده‌ام».

سلطه قرآن کریم بر روح و جان انسان |

و اینگونه انسان پس از غرق شدن در دنیای قرآن کریم یا تجربه قرآنی، چه از طریق قرائت، تأمل و تدبر، همچون نوزادی تازه متولد شده، روحش از آلودگی‌ها و بیماری‌های دنیای مادی پاک و تطهیر می‌شود تا نفس او آمادگی بیشتری برای انجام و گفتن کارهای خیر پیدا کند و به سوی فضایل، محبت به مردم، مهربانی و دلسوزی برای آنها کشش پیدا می‌کند؛ حسی که پیش از آن تجربه عمیق قرآنی هرگز نداشته است. او جسارت و سهولت در بخشش و سخاوت، چه از نظر مالی و چه در رفتار و گفتار نیکو با دوستان و عفو و گذشت از دشمنان، در درون خود می‌یابد.

در طول این تجربه قرآنی و با سیراب شدن از آن، فرد احساسی از تعالی و رفعت روحی را تجربه می‌کند، گویی که آسمان را در آغوش گرفته و در کنار ستارگان قرار گرفته است. او خود را از امور پست و کوچک که مردم معمولاً به خاطر آنها درگیر می‌شوند و یا حتی از مسائل کم‌اهمیت‌تر، فراتر می‌بیند، همان مسائلی که مردم برای آنها احساسات خود را صرف کرده، روح خود را مکدر می‌کنند و به واسطه آنها دچار افسردگی و شکست روحی می‌شوند. در این حالت، راه

سلطه قرآن کریم بر روح و جان انسان |

حقیقی خود را گم کرده و در همه جهات سرگردان می‌شوند، وسایل خوشبختی خود را در میان اسباب بدبختی خویش می‌جویند.

اما صاحب قرآن کریم، روحش در شادی آیات غرق می‌شود و او احساس خوشبختی فراگیری می‌کند که قادر به توصیف آن با کلمات نیست و نمی‌تواند از شکل حقیقی‌اش با دیگران سخن بگوید. به این ترتیب، قرآن کریم انسان را بالا می‌برد؛ روح، نفس، جسم، اخلاق و رفتارش را تعالی می‌بخشد و او را به فردی تبدیل می‌کند که به معانی بزرگ و ارزشمندی مانند محبت، رحمت و خلوص بیشتر دست یافته و آنها را در کردار و گفتار و ذات خود تحقق می‌بخشد. هرکس که شعله‌ای از منبع نور (قرآن) بگیرد، بی‌شک آن شعله به همان میزان نوری که دریافت کرده برایش روشن خواهد شد، چه ظاهری و چه باطنی؛ نور و آرامش و شادی را پیرامون خود پخش می‌کند، در کلماتش، در چهره‌اش و اعمالش.

می‌توان تأثیر قرآن کریم بر جان‌ها را با یک جمله خلاصه کرد: قرآن برای روح‌ها زندگی حقیقی است و بدون آن، ارواح مرده‌اند. چنانکه ابراهیم خلیل

سلطه قرآن کریم بر روح و جان انسان |

فیلیپس، کشیش سابقی که اسلام آورد و پیشتر از اساتید عقاید و الهیات در کالج الهیات کانادا در اسبوت بود و تحت تأثیر شگفتی قرآن قرار گرفت، بیان کرده است: «مسلمان، باید به قرآن خود افتخار کند، زیرا مانند آب است؛ در آن برای هرکسی که از آن بهره گیرد، زندگی وجود دارد».

سلطه قرآن کریم بر مردم، موضوعی نظری و صرفاً یک احساس شخصی نیست، بلکه حقیقتی واقعی است که برای افراد و جوامع رخ می‌دهد و آنها را دگرگون و تعالی می‌بخشد. تأثیر و قدرت قرآن کریم از لحظه‌های نخستین نزول وحی الهی بر قلب محمد صلی الله علیه وآله وسلم بر جان‌ها و رفتار کسانی که به آن ایمان آوردند، آشکار شد. تعالیم قرآن در دل‌های مؤمنان از میان اصحاب پیامبر به یقین تبدیل شد و اخلاق در اعمالشان و حکمت در سخنانشان تجلی یافت. آنان نوری را برای جهانی که برای قرن‌ها در تاریکی بود آوردند و جوامعشان به طور کامل تغییر یافت.

با جایگزینی رحمت به جای قساوت، خوبی به جای پلیدی و ظهور فضایل اخلاقی در اعمال و رفتار افراد، جوامع بهبود یافتند. اخلاق بد به مقدار

سلطهٔ قرآن کریم بر روح و جان انسان |

گسترش حاملان اخلاق قرآن کریم کاهش یافت، و این تغییرات از نسل بی‌نظیر قرآنی، یعنی صحابهٔ پیامبر رضی الله عنهم، آغاز شد؛ کسانی که بهترین الگوی تجسم و نمایندگی اخلاق و تعالیم قرآن کریم بودند، به بهترین شکلی که یک انسان می‌تواند در چارچوب طبیعت و توانایی انسانی خود نمایان کند.

اصحاب محمد صلی الله علیه وآله وسلم از مشتاق‌ترین مردم برای یادگیری، تلاوت و عمل به قرآن کریم بودند و بیش از همه از داشتن قرآن، از پروردگار بلندمرتبه‌ای که آن را نازل کرده و از پیامبری که بر او نازل شده بود، شادمان بودند.

چگونه چنین نباشند، در حالی که نور قرآن را با چشمان خود دیدند، نزول آن را شاهد بودند و به بزرگی نعمتی که برای آنان به ارمغان آورده بود و نقش آن در تغییر وضعیتشان و بیرون آوردن آنان را از تاریکی‌ها به نور پی بردند؛ از این رو، سریع‌ترین افراد برای یادگیری، آموزش، حفظ، درک و عمل به قرآن بودند.

سلطه قرآن کریم بر روح و جان انسان |

براء رضی الله عنه می‌گوید: «اولین کسانی که از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نزد ما آمدند، مصعب بن عمیر و ابن ام مکتوم بودند و آنان قرآن را به ما یاد می‌دادند». همچنین عبدالله بن مسعود رضی الله عنه می‌گوید: «هرگاه یکی از ما، ده آیه از قرآن را یاد می‌گرفت، از آن فراتر نمی‌رفت تا معانی آن آیات را درک کند و به آنها عمل نماید».

شیخ الاسلام ابن تیمیه می‌گوید: «بهترین افراد این امت، صحابه هستند. در میان امت هیچ گروهی بیشتر از آنان بر هدایت و دین حق گرد نیامده‌اند. هر خیری که مسلمانان تا روز قیامت در آن هستند، اعم از ایمان، اسلام، قرآن، علم، معرفت و عبادات، همه به برکت اعمال صحابه است که دین را به ما رساندند و در راه خدا جهاد کردند». وی همچنین می‌گوید: «به همین دلیل، صحابه رضی الله عنهم دارای بزرگ‌ترین ایمان و تلاش نسبت به دیگران بودند، زیرا آنان به شناخت کاملی از خیر و شر رسیده بودند و با تمام وجود، خیر را دوست داشتند و از شر بیزار بودند؛ به دلیل علمی که از خوبی اسلام، ایمان و عمل صالح و زشتی کفر و گناه به دست آورده بودند».

سلطه قرآن کریم بر روح و جان انسان |

و به این ترتیب، تربیت صحابه رضی الله عنهم تربیتی قرآنی بود، چه در گفتار و چه در عمل. آیات قرآن کریم وقتی به قلب‌هایشان رسید، آنان را تکان داد، سپس در آن قلب‌ها جای گرفت و در نهایت، دل‌هایشان به‌طور کامل و با میل و رغبت به آن تسلیم شد. این همان دوستی حقیقی که صاحب آن را به دوست داشتن کلام خدا و پیروی از آن با کمال میل و علاقه‌ای بی‌تزلزل هدایت می‌کند، خواه در لحظات آسایش و رفاه باشد یا در ساعات سختی و امتحان. آنان مانند دژها و کوه‌هایی در اطراف پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم ایستادند، جان خود را فدای او کردند و روح‌های خود را در راه قرآن کریم و ایمانی که در قلب‌هایشان نفوذ کرده و در جان‌هایشان جای گرفته بود، تقدیم نمودند.

تاریخ‌نگار و جامعه‌شناس مشهور، گوستاو لوبون (Gustave Le Bon) می‌گوید: «این دین جدید (اسلام) با شرایط و موقعیت‌های بسیاری روبرو شد که نشان می‌داد اصحاب محمد [صلی الله علیه و آله وسلم] تربیتی نیکو و

سلطه قرآن کریم بر روح و جان انسان |

مناسب دیده بودند که آنها را قادر به موفقیت در آن آزمون‌ها کرد. در آغاز، افرادی انتخاب شدند که هدف اصلی‌شان انتشار دین محمدی (اسلام) بود. آن هنگام که برخی از اروپاییان عظمت و تأثیر قرآن کریم را دست کم گرفتند، در حالی که تنها اندکی از زبان عربی می‌دانستند، فیلسوف و مربی فرانسوی، ژان ژاک روسو (Jean-Jacques Rousseau) به آنها پاسخ داد.

او با بازسازی صحنه‌هایی از دوران نزول قرآن کریم، زمانی که صحابه رضی الله عنهم آن را به طور مستقیم از دهان مبارک پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم می‌شنیدند، این لحظات را در ذهنش تصور کرد و چنین گفت: «اگر [آن اروپایی] می‌شنید که محمد آن [قرآن کریم] را به زبان فصیح و نرم بر مردم می‌خواند و با صدای گرم و متقاعدکننده‌اش که گوش‌ها را می‌نوازد و بر قلب‌ها اثر می‌گذارد، بی‌شک بر زمین به سجده افتاده و به او می‌گفت: ای رسول خدا! دست ما را بگیر و به سوی جایگاه‌های شرف و افتخار، یا حتی خطرناک و هلاکت‌بار هدایت کن، زیرا ما آماده‌ایم تا برای تو بمیریم یا پیروز شویم».

سلطه قرآن کریم بر روح و جان انسان |

آنچه ژان ژاک روسو به آن اشاره کرد، توسط بسیاری از فلاسفه و نویسندگان غربی تأیید شده است. آنان درباره قرآن کریم و تأثیر عمیق آن بر عرب‌ها به صورت ویژه، و بر مسلمانان به طور عام سخن گفته‌اند، و توضیح داده‌اند که چگونه قرآن زندگی آنان را دگرگون کرد، بسیاری از صفات ناپسندشان را تغییر داد و آنهایی که در جاهلیتشان از برگزیدگان بودند را به اوج بزرگی و فضیلت رساند.

قرآن ضعیفان آنان را آزاد کرد و آنان را به رهبران و اسوه‌های دنیا تبدیل نمود. این کتاب آسمانی، آنان را از نو ساخت، به امتی الهام‌بخش و هدایت‌گر در دین، اخلاق، ارزش‌ها، علم، قوانین و تمدن تبدیل کرد. مسلمانان با الهام از قرآن کریم بدون هیچ نمونه یا پیشینه‌ای مشابه، معجزاتی در جهان رقم زدند و قرآن تأثیرات آنان در زبان، فرهنگ و دین دنیا را ماندگار ساخت.

قبل از قرآن، آنان ملت‌هایی پراکنده، متنازع و ضعیف بودند که با یکدیگر می‌جنگیدند و به این نزاع‌ها افتخار می‌کردند. دنیا به آنان توجهی نداشت و

سلطه قرآن کریم بر روح و جان انسان |

هیچ وزنی برایشان قائل نبود و آنان را جزو تمدن‌های بشری یا دولت‌های بزرگ به شمار نمی‌آورد.

فیلسوف و منتقد روسی، نیکولای ستراخوف (Nikolay Strakhov)، می‌گوید: «قرآن به نظر می‌رسد قادر است با نیرویی شگرف بر مردم تأثیر بگذارد، و روح این کتاب پیروزی‌های بزرگی را رقم می‌زند و بر ادیان کهن بشری غالب می‌آید».

همچنین، فیلسوف و منتقد آلمانی متخصص در الهیات، یوهان گوتفرد هردر (Johann Gottfried Herder) می‌گوید: «اگر ژرمن‌هایی که اروپا را فتح کردند، کتابی شبیه قرآن داشتند، لاتین هرگز بر زبان‌شان چیره نمی‌شد و قبایلشان پراکنده نمی‌شدند و در مسیرهای مختلف از هم جدا نمی‌گشتند.» مورخ آمریکایی، ویل دورانت، نیز می‌گوید: «قرآن بیشترین سهم را در ارتقای سطح اخلاقی و فرهنگی مسلمانان داشت. این کتاب پایه‌های نظام اجتماعی و وحدت اجتماعی را در میان آنها برپا کرد، آنها را به رعایت اصول

سلطه قرآن کریم بر روح و جان انسان |

بهداشتی تشویق نمود، و ذهنشان را از خرافات و اوهام فراوان و از ظلم و قساوت، رهایی بخشید. قرآن وضعیت بردگان را بهبود داد، در دل افراد ضعیف عزت و کرامت دمید، و درجه‌ای از اعتدال و دوری از شهوات در میان مسلمانان پدید آورد که مشابه آن در هیچ نقطه‌ای از جهان که انسان سفیدپوست در آن ساکن باشد، یافت نمی‌شود».

سخن فردریک متیوسون دنی درباره سلطه قرآن کریم در هدایت مردم به اسلام که قبلاً ذکر شد، توسط کنت هنری دی کستری (Henry de Castries) نیز تأیید شده است. او انتشار اسلام را به سلطه قرآن بر قلب‌های مردم نسبت می‌دهد. دی کستری می‌گوید: «دین قرآن توانست بر قلب‌های تمامی ملت‌های یهودی، مسیحی و بت‌پرست در شمال آفریقا و بخش بزرگی از آسیا چیره شود. حتی در اندلس، مسیحیان روشنفکری بودند که دین خود را به خاطر محبت به اسلام ترک کردند، و همه این‌ها بدون هیچ‌گونه اجبار یا اکراهی صورت گرفت».

سلطه قرآن کریم بر روح و جان انسان |

وی همچنین می‌گوید: «اگر دین محمد با خشونت و اجبار منتشر می‌شد، باید گسترش آن با پایان فتوحات مسلمانان، متوقف می‌گشت اما همچنان می‌بینیم که قرآن بال‌های خود را در تمامی نقاط جهان گسترده است. به‌وضوح دیده می‌شود که اسلام نه با زور و قدرت، بلکه به‌واسطه مسالمت‌جویی مسلمانان و نرمی رفتارشان گسترش یافت. در واقع، همین صفات موجب سقوط دولت عربی شد.»

مستشرق ایتالیایی، لائورا وچّا والی‌پری (Laura Veccia Vaglieri)، نیز این دیدگاه را تأیید کرده و می‌گوید: «دلیل اصلی انتشار سریع اسلام این بود که کتابی که مسلمانان به ملت‌های مغلوب ارائه دادند، با امکان انتخاب بین قبول یا رد آن، کتاب خدا، کلام حق، و بزرگ‌ترین معجزه بود.»

این تأثیر عمیق و این قدرت عظیم قرآن کریم همچنان با ارتباط مستمر به آن و گسترش آن در سراسر دنیا، به دست حاملان آن در گذشته و حال، و در هر نسلی از نسل‌های بشریت تا روز قیامت ادامه دارد. کسانی که قرآن کریم را دوست دارند و به آن اعتراف کرده و ایمان دارند، نفسشان پاک بوده و سود

سلطهٔ قرآن کریم بر روح و جان انسان |

می‌کنند، اما آن‌هایی که از نفس خود می‌ترسند یا نگران جایگاه و دنیای خود هستند، آن را پنهان می‌کنند و از آن دوری می‌گزینند. همچنین کسانی که به انکار حق عادت کرده‌اند و از خیر متنفرند، با این کار، خود را زیان می‌زنند و به هلاکت می‌افکنند.

قرآن کریم ویژگی‌ها و نشانه‌های بسیاری دارد که هیچ مشابهی برای آن نیست، بارزترین آن معنویتی است که خواننده، چه مسلمان و چه غیر مسلمان، در خود احساس می‌کند و در کتاب‌های دیگر نمی‌یابد، نه از نظر نوع و نه از نظر مقدار. از این تجربه، او به انسان دیگری تبدیل می‌شود، و درجهٔ تغییر و نو شدن او به اندازه صدق و عمق پاسخ او به این تجربه قرآنی است (این جنبه نیاز به بررسی علمی ویژه‌ای دارد). تجربه، قدرت و استحکام رابطه دو سویه میان قرآن کریم و خواننده، و تأثیر شگفت‌انگیز قرآن بر روح، ذهن و روان او را اثبات می‌کند.

سلطه قرآن کریم بر روح و جان انسان |

این یکی از تفاوت‌های بزرگ بین قرآن و دیگر سخنان بشر است، هرچند که سخنان آن‌ها عمیق و بزرگ باشند و گوینده‌شان دانشمند و فیلسوف و خبره به روان انسانی باشد.

کلمات فلاسفه و حکما و کارشناسان انرژی درمانی، توسعه فردی، احساسات را تحریک می‌کنند، گوش‌ها را به خود جلب می‌کنند و نفوس را تحت تأثیر قرار می‌دهند، اما در نهایت بیشتر آن‌ها هیچ نتیجه واقعی‌ای ندارند؛ زیرا فقط توهم را تغذیه می‌کنند و قادر به درمان دردهای روحی و جراحات‌های نفس نیستند. اما کلمات قرآن و سخنان پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم کلماتی فراتر از این‌ها هستند، با قدرت شگفت‌انگیزی برای نفوذ به اعماق روح و زدودن دردهای آن. آن‌ها واقعیاتی هستند که با روح در تماس بوده و در نفس‌ها عمق پیدا می‌کنند، جراحات‌های آن‌ها را درمان کرده و آن‌ها را از قید و بند رها می‌سازند.

ما سخنان ادبی و انگیزش‌های روانی فوق‌العاده‌ای می‌شنویم که از بیرون بر ما اثر می‌کند، سپس قرآن کریم را می‌شنویم و شگفت‌زده می‌شویم و با

سلطه قرآن کریم بر روح و جان انسان |

آرامشی درونی در ما جاری می‌شود؛ قرآن به عمق وجود ما نفوذ می‌کند و آرامش را در جان ما پدید می‌آورد، و روحی جدید در درون ما می‌آفریند که با آن روح خسته و مضطرب پیشین متفاوت است.

این یک تولد جدید برای روح مؤمن است که به واسطه قرآن کریم راه خود را یافته و آن را به وضوح دیده است؛ وضوحی که پیش از این نور کتاب عزیز نداشت. و روحی که لذت قرآن را چشیده باشد، لحظه‌ای از آن دور نمی‌شود؛ همواره به آن اشتیاق دارد، همچون شوق او به نور، شفا، امنیت درونی، آرامش و شادی.

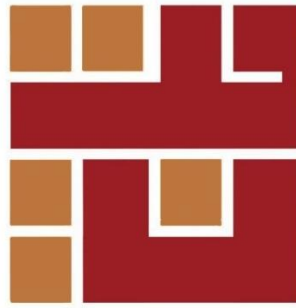
ابن قیم می‌گوید: «قرآن به تمامی شفا است، شفا برای دل‌ها از بیماری جهل، شک و تردید است. خداوند سبحان هیچ شفایی از آسمان نازل نکرده که عام‌تر، سودمندتر، بزرگ‌تر و مؤثرتر در رفع بیماری‌ها از قرآن باشد».

شیخ الاسلام ابن تیمیه می‌گوید: «هنگامی که بنده به‌طور مداوم در کلام خدا و رسولش تدبر کند، راه هدایت به روی او گشوده می‌شود.»

سلطه قرآن کریم بر روح و جان انسان |

و امام حافظ، قدوه و زاهد، گل خوشبوی شام، احمد بن ابی‌الحواری می‌گوید: «اگر آنان معنای آنچه را تلاوت می‌کنند می‌فهمیدند، حق آن را می‌شناختند و از آن لذت می‌بردند و شیرینی مناجات را می‌چشیدند، از فرط شادی به خاطر آنچه روزی‌شان شده و به آن توفیق یافته‌اند، خواب از چشمشان رخت برمی‌بست».

سلطه قرآن کریم بر روح و جان انسان |



مرکز مطالعات متین

www.MatinStudies.com

t.me/MatinStudies

facebook.com/MatinStudies

Instagram.com/Matinstudies

X.com/Matinstudies